

حدود اختیارات ضابطین دادگستری در جرایم مشهود

بختیار عباسلو^۱

چکیده

یکی از اختیارات ضابطین دادگستری جهت حفظ و اعاده نظم عمومی، اقدامات لازم در خصوص جرایم مشهود می‌باشد. ضابطین دادگستری بر دو دسته تقسیم می‌شوند: ضابطین عام و ضابطین خاص. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به عنوان ضابط عام دادگستری محسوب می‌شود. البته کلیه کارکنان نیروی انتظامی به عنوان ضابط دادگستری تلقی نمی‌گردند، بلکه آن دسته از کارکنان که در راستای انجام وظایف محوله از سوی مقامات قضایی اقدامات لازم را انجام می‌دهند یا آن دسته که در حال مأموریت در برخورد با جرایم مشهود اقدام می‌نمایند به عنوان ضابط دادگستری محسوب می‌گردند. با توجه به اینکه هدف پژوهش رفع ابهامات موجود در قوانین و مقررات مربوط به ضابطین دادگستری می‌باشد، این مطالعه با استفاده از روش اسنادی و با استفاده از قوانین، مقررات و نظرات حقوقدانان در خصوص موضوع را مورد بررسی قرار گرفته است. براساس یافته‌های به دست آمده جرایم مشهود، جرایمی هستند یا در مرئی و منظر ضابطین واقع می‌شوند یا بلافاصله پس از وقوع جرم ضابطین حضور می‌یابند یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت می‌شود یا جهت نجات مجنی علیه و به تقاضای او ضابطین مکلفند اقدامات لازم را به عمل آورند. ضابطین در برخورد با جرایم مذکور اختیار تعقیب و دستگیری متهم را در صورتی که برای تکمیل تحقیقات لازم باشد حداکثر تا ۲۴ ساعت دارند. ضمناً در مواردی که شمول یکی از موارد تعیین شده به عنوان جرایم مشهود توسط قانونگذار، مورد تردید باشد با توجه به اصل منع بازداشت و دستگیری، ضابطین قادر به دستگیری و تعقیب نمی‌باشند. در آخر چند پیشنهاد برای رفع مشکلات نیز ارائه شده است.

واژگان کلیدی: ضابطین قضائی / Law enforcement officers / اختیارات قانونی / Legal authority / جرایم مشهود / Flagrant offences / تعقیب / Prosecution / دستگیر کردن / Arrest / قوه قضائیه و پلیس / Judiciary & police

□ استناد: عباسلو، بختیار (تابستان ۱۳۸۶). «حدود اختیارات ضابطین دادگستری در جرایم مشهود». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال دوم، شماره دوم: ۲۲۵-۲۳۱.

مقدمه

هر چند اصولاً ضابطین دادگستری در اقداماتی که انجام می‌دهند باید از قبل، هماهنگی لازم را با مقام قضایی به عمل آورند، ولی در جرایم مشهود، قانونگذار بنا به دلایل زیر اختیاراتی برای ضابطین دادگستری معین نموده است:

الف - حفظ دلایل و قرائن و امارات وقوع جرم: زیرا در این جرایم به دلیل اینکه زمان زیادی از ارتکاب جرم نگذشته دلایل و اوضاع و احوالی که تأثیر قابل توجهی در اثبات جرم دارند غالباً در صحنه جرم وجود دارد و جهت حفظ آن قانونگذار به ضابطین دادگستری اختیار اتخاذ تصمیم فوری داده است. زیرا اگر اقدام فوری در این مورد به عمل نیاید، دلایل و امارات مذکور از بین می‌رود.

ب - جلوگیری از تجری مجرمین: با توجه به اینکه لطمه جرایم مشهود که غالباً در انظار عمومی واقع می‌شود به مراتب بیشتر از سایر جرایم است؛ بنابراین، اگر با این جرایم برخورد فوری صورت نگیرد، تأثیر نامطلوبی از جهت فرار مجرم از مجازات و جرأت نامبرده به تکرار و تأثیر نامطلوب بر دیگران دارد.

ج - جلوگیری از توسعه و شیوع جرم در بعضی موارد: عدم اقدام لازم جهت برخورد و مقابله با جرایم مشهود، بعضاً به دلیل وضعیت بعضی از مجرمین، اگر به موقع با آنها مقابله نشود، ممکن است باعث استمرار اعمال مجرمانه در حال انجام نامبرده یا اعمال مجرمانه بعدی او شود. ولی با توجه به اینکه این اختیارات جنبه استثنایی دارد، بنابراین، ضابطین دادگستری باید به نحو دقیق منطبق با قواعد مذکور در جرایم مشهود رفتار نمایند. به این منظور علاوه بر تبیین مفهوم ضابطین و جرایم مشهود، در این مطالعه حدود اختیارات نامبردگان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مواد و روش‌ها

با توجه به اینکه هدف پژوهش رفع ابهامات موجود در قوانین و مقررات مربوط به ضابطین دادگستری می‌باشد، روش این پژوهش اسنادی است که با استفاده از قوانین، مقررات و نظرات حقوقدانان در خصوص موضوع تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

مفهوم ضابطین دادگستری: هر چند حسب برداشت از ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، ضابطین دادگستری عبارت بودند از: مأموران تفتیش و کشف جرایم که اقدامات لازم را در خصوص جلوگیری از فرار متهم و پنهان شدن انجام می‌دادند؛ و دادستان شهرستان و دادیاران او؛ بازپرس و کلانتران شهربانی و صاحب منصبان ژاندارمری سابق (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳)؛ ولی به موجب ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

- ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲- رؤسا و معاونین زندان نسبت به آموززندانیان؛
- ۳- مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده‌ی وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛
- ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن

نیروی انتظامی را به آنان محول کند؛

۵- مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص و در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

مفاد این ماده بردو قسمت است:

- ◆ اولاً- درخصوص ارتباط ضابطین دادگستری با مقامات قضایی مقرر می‌دارد ضابطین در کشف جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی هستند. علاوه بر این به موجب ماده ۱۷ قانون فوق الذکر «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند با رئیس حوزه قضایی است». بنابراین، به جز موارد ذکر شده در ماده ۱۵ این قانون در بقیه مواردی که مأموران نیروی انتظامی به عنوان ضابط تلقی می‌گردند، تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی هستند. به عنوان مثال در جرایم مشهود که خارج از ماده ۱۵ است نیز ضابطین به موجب ماده ۱۷ قانون فوق تحت نظارت و تعلیم مقام قضایی هستند. لازم به ذکر است هر چند ضابطین دادگستری تحت نظارت و تحت تعلیم مقام قضایی هستند ولی به دلیل اینکه فلسفه وجودی نامبردگان که اجرای نظم و برخورد با جرایم به طور مستقیم است و به دلیل این ارتباط مستقیم که با مجرمین و حفظ نظم عمومی دارند و از تخصص لازم در این خصوص برخوردارند، نقش آنها در تشکیل پرونده و انجام تحقیقات مقدماتی، مقام قضایی نمی‌تواند نقش آنها را نادیده گرفته و خود مستقیماً این وظیفه را عهده دار شود یا پرونده ای را بدون دخالت ضابطین تشکیل داده و مورد رسیدگی قرار دهند.
- ◆ ثانیاً - مقصود قانونگذار از ضابطین در ماده ۱۵ قانون فوق الاشعار مبهم است. آیا با توجه به عبارت «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» کلیه مأموران نیروی انتظامی به عنوان ضابط دادگستری محسوب می‌شوند یا شخصیت حقوقی ناجا مورد خطاب قانونگذار است؛ در نتیجه شامل مأموران نیروی انتظامی نمی‌گردد.

در این خصوص نظرات مختلفی مطرح شده است. بنا به نظر عده ای فقط فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی و معاونان آنها به عنوان ضابط شمرده می‌شوند و سایر افراد مانند افسر نگهبان، نیروهای گشتی و سایر نیروها به عنوان ضابط تلقی نمی‌شوند (زرعت، ۱۳۸۶، ص ۸۹). بنا به نظر دیگر، تمامی کارکنان نیروی انتظامی ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند بلکه فقط فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی و معاونین آنها چنین سمتی را دارا می‌باشند؛ هر چند وظایفی که از طرف مراجع قضایی به فرماندهان یا معاونین پاسگاه واگذار می‌شود، قابل ارجاع به رده‌های پایین‌تر است و در این صورت این افراد نیز ضابط تلقی می‌شوند (مدنی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵). از نظر دیگر، اشخاصی ضابط محسوب می‌گردند که وظایف مندرج در بندهای فوق را انجام می‌دهند؛ اگرچه در پاسگاه‌ها نیز اشتغال نداشته باشند (مهابادی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵). ولی به نظر می‌رسد با توجه به لزوم رعایت سلسله مراتب مقامات قضایی، صرفاً در خصوص وظایف ضابطیت قادر به دستور به فرماندهان پاسگاه‌ها یا جانشینان آنها می‌باشند و به دلیل اینکه نامبردگان به تنهایی قادر به انجام کلیه وظایف ضابطیت به تنهایی نمی‌باشند، بنابراین پس از ارجاع و محول نمودن امری به رده‌های پایین‌تر وظیفه ضابطیت به آنها انتقال می‌یابد. هر چند فرمانده مذکور از جهت نظارت بر حسن اجرای امور باید نظارت کلی بر این افراد داشته باشد، ولی مسئولیت ناشی از ضابط بودن متوجه نامبرده نمی‌شود بلکه متوجه مأموری می‌گردد که وظیفه فوق به نامبرده محول شده است. علاوه بر این در جرایم مشهود که دستور مقام قضایی وجود ندارد، ضابط مأموری محسوب می‌گردد که به طور مستقیم با جرم مشهود حسب وظیفه برخورد و اقدامات لازم را وفق مقررات قانونی به عمل می‌آورد.

جرایم مشهود: به منظور تبیین جرایم مشهود پس از ذکر هر یک از بندهای ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری که جرایم فوق را تعیین نموده به توضیح هر یک پرداخته می‌شود. به موجب این ماده «جرم در موارد زیر مشهود محسوب می‌شود:

۱- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین واقع شده و یا بلافاصله مأموران یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند». این بند مشتمل بر دو قسمت است:

♦ **الف -** جرمی که در مرئی و منظر ضابطین واقع شود؛ یعنی ضابط به طور مستقیم ارتکاب جرم را ملاحظه و رؤیت نماید. لازم به ذکر است قاعدتاً محل ارتکاب چنین جرایمی در مکان‌های عمومی است ولی اگر مأموری با رعایت مقررات قانونی وارد محلی خصوصی شود و در آنجا جرم مشهودی ملاحظه نماید، چنین جرمی نیز مشهود تلقی می‌شود. اما در خصوص اینکه اگر مأموری بدون رعایت مقررات قانونی لازم وارد حریمی خصوصی شود و جرمی در آنجا ملاحظه نماید، آیا چنین جرمی نیز مشهود تلقی می‌شود یا خیر؟ به نظر می‌رسد هر چند مأمور فوق مرتکب جرم ورود به محلی بدون رعایت مقررات قانونی گردیده و مشمول مجازات مندرج در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی می‌گردد. به موجب این ماده «هر یک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد؛ مگر اینکه ثابت نماید به امر کسی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است. که در این صورت مجازات مزبور در حق امر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز شده باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا امر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد». ولی اگر جرم مشهودی را این محل نیز مشاهده نماید جرم مذکور به عنوان جرم مشهود محسوب و نامبرده باید اقدامات لازم را به عمل آورد ضمن اینکه خود مرتکب جرم ورود غیرمجاز به منزل دیگری شده است.

♦ **ب-** بلافاصله مأموران یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. عبارت بلافاصله در اینجا مبهم است چون مشخص نشده آیا بلافاصله پس از وقوع جرم در محل حضور یافته یا آثار را ملاحظه نمایند؟ به نظر می‌رسد چون قید «وقوع جرم» وجود ندارد؛ بنابراین، حضور مأموران یاد شده بلافاصله بعد از تحقق جرم یا وجود آثار و بقایای جرم صورت گیرد.

۲- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید. بر اساس این بند مشتمل بر دو قسمت است:

♦ **الف-** دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرمی بوده اند، بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نمایند. بنابراین معرفی علاوه بر اینکه باید حداقل توسط دو نفری که خود ناظر وقوع جرم بوده اند صورت گیرد. بنابراین اگر نامبردگان خود ناظر وقوع جرم نبوده اند بلکه از دیگران چنین موضوعی را شنیده باشند، کافی نمی‌باشد یا اگر یک نفر که خود ناظر وقوع جرم باشد، چنین جرمی مشهود محسوب نمی‌شود.

♦ **ب-** مجنی علیه خود شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید. در این مورد اگر اوضاع و احوال مبین این باشد که فردی مجنی علیه است، کافی است و لازم نیست که مأمور این امر را احراز کند. همچنین هر شخص را که مجنی علیه به عنوان مرتکب جرم معرفی نماید کافی است و لازم نیست مأمور مجرم بودن وی را احراز نماید.

۳- بلافاصله پس از وقوع جرم، علایم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا

تعلق اسباب و دلایل یادشده به متهم محرز شود. این بند نیز دو جزء دارد:
 ◇ الف - بلافاصله پس از وقوع جرم آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود.

جهت تحقق این قسمت چند شرط لازم است:

- ✓ بلافاصله بودن وقوع جرم؛
- ✓ باید قرائن و اوضاع و احوالی در این مورد که حاکی از فوری بودن ارتکاب جرم به وسیله متهم باشد وجود داشته باشد؛
- ✓ آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود. در این مورد یا آثار واضح ارتکاب جرم در متهم یافت شود یا اسباب و دلایل ارتکاب جرم در تصرف متهم باشد. ارتباط وسایل با ارتکاب جرم لازم است.

◇ ب- تعلق اسباب و دلایل به متهم محرز شود. بر این اساس باید وسایل یا دلایلی در خصوص ارتکاب جرم وجود داشته باشد و این وسایل یا دلایل هر چند در تصرف متهم نیست ولی تعلق آنها به متهم محرز می‌شود. مقصود از تعلق مالکیت نیست بلکه ارتباط داشتن با متهم است که باید این ارتباط از طریق قرائن و اوضاع و احوالی محرز شود. ولی مقصود از محرز شدن اثبات قطعی نیست زیرا مأموران در این مورد، فرصت و ابزار کافی جهت این امر را ندارند.

۴- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود. در این مورد لازم است بلافاصله پس از وقوع جرم، باید قرائنی حکایت از فوریت یا بلافاصله اتفاق افتادن جرم نماید. علاوه بر این متهم باید یا قصد فرار داشته باشد و قرینه ای در این مورد جهت احراز قصد فرار لازم است. یا متهم در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از فرار دستگیر شود. البته در این مورد، وضعیت فرد باید حاکی از قریب الوقوع بودن فرار نامبرده باشد.

۵- در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را به خانه ی خود تقاضا نماید. شرایط لازم برای تحقق این بند عبارتند از:

◇ الف - تقاضای صاحبخانه؛ مقصود از صاحبخانه هر کدام از سکنه داخل خانه است زیرا مأموران قادر به تشخیص صاحبخانه بودن متقاضی قبل از ورود به خانه نمی باشند. بنابراین، ورود آنها به محض تقاضای شخصی که داخل خانه ای ساکن است کافی است و چنین ورودی به عنوان ورود غیرمجاز محسوب نمی گردد هر چند لازم باشد مأموران از راههای غیرمتعارف وارد منزلی شوند.

◇ ب- به دلیل عدم امکان اخذ مدرک و دلیلی در این مورد صرف گزارش مأمور کافی می‌باشد.

۶- وقتی که متهم ولگرد باشد. ماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی سابق ولگرد را این گونه تعریف کرده بود: اشخاصی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی قیدی و تنبلی در صدد تهیه کار برای خود بر نمی‌آید ولگرد محسوب می‌شود. البته باید قرائنی برای ولگردی وجود داشته باشد.

حدود اختیارات ضابطین دادگستری در جرایم مشهود:

۱- با توجه به ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «... چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند...» با توجه به ماده مذکور، ضابطین در جرایم مشهود آن هم در صورتی که بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، حداکثر تا ۲۴ ساعت اختیار بازداشت متهم را دارند. بنابراین، اگر بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری نباشد، بازداشت متهم لازم نمی‌باشد؛ به نظر می‌رسد در مواردی که هویت متهم محرز و نامبرده از اعتبار کافی برخوردار باشد و جرم هم از جرایم مهم نباشد، بازداشت متهم لازم نمی‌باشد؛ به

عنوان مثال جرم رانندگی بدون گواهینامه.

- ۲- با توجه به اصل منع دستگیری و بازداشت افراد که در بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته است، در خارج از موارد تعیین شده در ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص جرایم مشهود و یا در موارد مشکوک، ضابطین دادگستری قادر به دستگیری افراد نمی باشند.
- ۳- با توجه به اینکه اختیار ضابطین در تعقیب و دستگیری متهم در جرایم مشهود مطلق است و با توجه قاعده اذن به شیء اذن به لوازم آن نیز هست، به نظر می‌رسد ضابطین در چنین موردی اختیار تعقیب متهم را در هر محلی که فرار نماید دارند هر چند منزل دیگری باشد.
- ۴- ضابطین دادگستری تحت هیچ عنوان، اختیار بازداشت زائد بر ۲۴ ساعت متهم را ندارند. به عنوان مثال مصادف شدن انقضای موعد مذکور با تعطیلی و در صورت بازداشت غیرمجاز یا زائد بر مدت مقرر خود را در معرض مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی و حبس از شش ماه تا سه سال) قرار می‌دهد (آشوری، ۱۳۸۶).
- ۵- با توجه به اینکه قضات دادگستری دارای مصونیت قضایی هستند و این مصونیت در جرایم مشهود نیز توسط ضابطین دادگستری لازم الرعایه می‌باشد و اداره حقوق قوه قضاییه در یک نظر مشورتی نیز مصونیت قضایی قضات شامل جرایم مشهود نیز می‌گردد. (نظریه شماره ۷/۹۲ مورخ ۱۳۷۳/۲/۵) (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۴) هر چند در این خصوص نظر مخلف نیز وجود دارد (آشوری، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق را می‌توان به شرح ذیل احصاء نمود:

- ۱- ضابطین عام دادگستری، که مأموران پلیس می‌باشند، در مورد اجرای دستورات مقامات قضایی آن هم با رعایت سلسله مراتب و دستور صادره از سوی فرماندهی به عنوان ضابط دادگستری محسوب می‌گردند. و مأمورانی که در حال اشتغال در حوزه مأموریتی با جرایم مشهود برخورد می‌نمایند، نیز به عنوان ضابط دادگستری قلمداد می‌گردند.
- ۲- هر چند مقام قضایی قادر به هر گونه دستور در چهارچوب مقررات قانونی به ضابطین دادگستری می‌باشند، ولی در دستور به ضابطین باید سلسله مراتب فرماندهی را رعایت نماید. همچنین در خصوص وظایف مربوط به ضابطیت دادگستری قادر به دستور به رده‌هایی که در ناچا به عنوان رده‌های ستادی و غیرعملیاتی محسوب می‌گردند، نمی‌باشد.
- ۳- ضابطین دادگستری علاوه بر اینکه در غیر موارد جرایم مشهود قادر به بازداشت افراد نمی‌باشند، در جرایم مشهود نیز در مواردی که بازداشت ضرورت ندارد و یا بیشتر از میزانی که قانون معین نموده قادر به بازداشت افراد نمی‌باشند؛ در غیر این صورت از مصادیق بازداشت غیرقانونی تلقی می‌گردد.
- ۴- اصل منع بازداشت و دستگیری اقتضاء می‌نماید ضابطین دادگستری با اشراف کامل به مصادیق جرایم مشهود و تنظیم صورتجلسه و معین نمودن مصادق خاص قانونی مربوط به جرایم مشهود و حتی الامکان مدلل نمودن پرونده، اقدام به تعقیب و دستگیری متهم نمایند. همچنین در موارد مورد تردید نباید اقدام به بازداشت فردی نمایند.
- ۵- عدم رعایت مقررات مربوط به جرایم مشهود توسط ضابطین دادگستری علاوه بر مسئولیت کیفری موجب مسئولیت مدنی نامبردگان در خصوص جبران خسارات وارده نیز می‌گردد.

پیشنهادها:

۱- ناجا باید طی بخشنامه‌ای داخلی شرایط لازم برای آن دسته از مامورین به عنوان ضابط را اعلام و رعایت سلسله مراتب را توسط مقامات قضائی گوشزد نماید. همچنین رعایت تخصص پلیس را در ضابطیت را مدنظر قرار دهد و در جرائم مشهود نیز فقط مامورین صالح را که به طور مستقیم اختیار مداخله دارند اعلام دارد و سایر مامورین را موکلف اطلاع رسانی در این جرائم به همکاران صالح خود نماید.

۲- به دلیل تاثیر نامطلوبی که جرائم مشهود بر نظم و امنیت جامعه می گذارند، پیشنهاد می شود ناجا جهت جلوگیری از اثرات نامطلوب این نوع جرائم در مکان‌های جرم خیز اقدام به تشکیل پلیس نامحسوس و متخصص در این موارد نماید.

کتابنامه

- ایرانی ارتباطی، بابک(۱۳۸۴). مجموعه نظرهای مشورتی جزایی. تهران: مجد.
- آشوری، محمد(۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری، جلد اول. تهران: سمت
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۶۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- دوانی، غلامحسین(۱۳۷۹). مجموعه قوانین مجازات اسلامی. تهران: کیومرث.
- زراعت عباس و دیگران(۱۳۸۶). قانون آیین دادرسی کیفری در نظم نوین کنونی. تهران: خط سوم.
- قرشی، میراسماعیل. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی. در [www.inroozha.com/hoghoghi/archives/004628.php\(5/09/2007\)](http://www.inroozha.com/hoghoghi/archives/004628.php(5/09/2007))
- مدنی، جلال الدین(۱۳۷۸). آیین دادرسی کیفری. تهران: پایدار.
- مهابادی، علی اصغر(زمستان ۱۳۸۱). «ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران». مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی الهیات و حقوق، سال دوم، شماره ۴.
- وکلائی حق و قانون[تدوینگر](۱۸۳۱). قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: کشاورز.

سایر منابع جهت مطالعه بیشتر:

- پیراجو، اسد(۱۳۷۲). حق دفاع متهم. پایان نامه کارشناسی ارشد(حقوق جزا و جرم شناسی). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکز.
- پورابوالقاسم، قاسم(۱۳۸۱). ضابطین قوه قضائیه و وظائف آنها. تهران: افواد.
- کاظم زاده، علی(۱۳۷۹). ضابطین دادگستری را بشناسیم. تهران: پیمان.
- زراعت، عباس و مهاجر، علی(۱۳۸۲). آیین دادرسی کیفری، ج ۱. تهران: فکرسازان.